

از همان ابتدا، اثر نهایی را

در چوب می بینم

مهدی الماسی

آشنایی با علی اصغر شهاب

سال‌های متمدای در جست‌وجوی گم‌شده‌اش در وادی هنر گشته است؛ گاه حیران پیچ‌وتاب زیبایی حروف در خط نستعلیق بوده و گاه سرگشته ردپای سایه‌های مداد کنته و زغال روی کاغذهای سفید، و زمانی دل‌باخته زیبایی خفته رنگ‌ها در حرکت قلم‌مو بر بوم‌ها. این چنین به سال‌ها سیروسلوک بر غنای دانش و تجربه هنری‌اش افزوده تا به سرانجام، کوشش‌ها و کشش‌های دل و دست هنرمند او را به ساحل اعجاب‌انگیز چوب رسانده است.

علی اصغر شهاب که در گذر ایام به بینشی خردمندانه در هنر رسیده، بر این باور است که اثر هنری در طبیعت پنهان است و کار هنرمند کشف و پرده‌برداری از اثر است؛ از همین روست که می‌گوید: «از همان ابتدا اثر نهایی را در چوب می‌بینم». او مواد خام آثار خود را که معمولاً چوبی‌ست، کژ و کوژ از درختی کوهی، جنگلی، باغی که گاه افتاده به گوشه‌ای است پرت و منزوی، می‌یابد. آنگاه با نگاه هنرمندانه، شادی و حرکت، اندوه و غم، قصه و سرگذشت و فراز و نشیب چوب را می‌خواند. او می‌داند خالق یگانه در چوبی که به دست او رسیده رازهای نهان نهاده است. نگاه کاشف هنرمند به باری دست‌ها در مناسبت با آنچه در چوب می‌یابد، گوهر نهان از چوب بیرون می‌کشد تا همگان به تماشایش بنشینند.

زیبایی و زوال در طبیعت و برجسته‌سازی تضادها در ساختاری واحد درون‌مایه اغلب آثار علی اصغر شهاب است که آن‌ها را به مرزهای بینشی عرفانی نزدیک می‌کند.



